

فرخنده باد جمهوری اسلام در افغانستان که سوزاندن خانم "فرخنده" سنجه فرهنگی آن است



خوانندگان گرامی این مضمون را با دو پرسش، آغاز می کنم. اولی در شرایط کنونی کی فرهنگ جامعه افغانستان را می سازد؟ دومی آیا جامعه کنونی افغانستان، زمینه رشد فرهنگی خود را از ویژگی های مذهبی و جهادی هایش می پرورد؟ به باور این قلم که دومی درست است. برای اینکه، دو پاره گی حکومت بیکاره دکتر غنی و دکتر عبدالله و جهادی ها، منشاء بسیاری از داده های فرهنگی جامعه افغانستان شده اند. جهادی ها در شرایط کنونی تسلطی که بر حاکمیت دارند در محیطی زیست می کنند که از ارزش های مادی بر خوردارند و هم آنها را به نسل بعدی ملا ها انتقال می دهند. به همین دلیل هم هست که شما می توانید میزان رشد فرهنگی هر جامعه ای را با طرز فکر و جهان بینی و اخلاقیات مذهبی اش محک بزنید.

صحنه های قتل و سوزاندن خانم فرخنده در کرانه دریا کابل توسط اهالی پیر و جوان نمایشنامه ی سمبولیسم از یک جنایت مذهبی است که در تاریخ بشریت به قتل رساندن یک زن به این مظلومیت نظیر آن دیده نشده است. اگرچه داعش با سوزاندن پیلوت ارتش اردن آغازگر چنین جنایتی در قرن بیست یکم است و این گروه خود را از نگاه عقیده پیرو ایدئولوژی و باورهای اسلام واقعی محمدی میداند که زمینه عملی سوزاندن انسان را در خود گنجانیده است. ولی ما بارها مثال های از عمل کرد جهالت مردم خود دیده ایم. مثلاً زمانی که یک کشش مذهبی در ایالات فلوریدا امریکا اعلان می دارد، که می خواهد قرآن را بسوزاند، مردم ما در مشرقی بنا تاریخی قصرامانی را آتش می زنند. اگرچه سوزاندن فرخنده و درداند بنا های تاریخی به عقیده دین باوران ، پاسداری از دین اسلام است، ولی به باور من این جنایات نمونه ی از

عقب ماندگی مردم ما است. این امر بخصوص از آنجا اهمیت پیدا می کند که بنظر می رسد در شرایط کنونی افغانستان تا زمان نامعلومی، دینکاران و تروریست های مذهبی و ملا ها جزئی لاینفکی از فرهنگ اجتماعی مردم ما شده اند. معامله گری با دین پدیده نوی نیست از هزارها سال قبل باظهور ادیان ابراهیمی شامل کسی بود که از راه دین نان می خورد. در افغانستان امروزی قشر جهادی معامله گر دین شده اند. آنها تمام قوانین و فرهنگ جامعه را به ارشاد دین و اسلامیت رژیم چسپانده اند. از این بابت با اتکا به دین، معامله گری می نمایند.

افغانستان زیادتیر از یک دهه با جامعه جهانی به نوعی الحاق بود. حکومت فاسد افغانستان نتوانست در این ایام در های تعاطی فرهنگی افغانستان، را بصورت خرده فرهنگ های محلی با کشورها در منطقه و جهانی با هم بکشد. حکومت افغانستان که تشکیلی از جهادی ها و دزدان حرفه ای بودند، نخواستند با دیگر کشورها داد و ستد فرهنگی داشته باشند. از همین خاطر جامعه امروز افغانستان بعد از یک دهه سیاست جهانشمول که جهادی ها نقش تعیین کننده ی در حکومت داشتند، از نگاه سیاسی عقب مانده تر و مذهبی تر شده است. آنچه که اکنون سیمای اجتماعی جامعه افغانستان را وانمود می کند، عدم آگاهی مردم ما از تحولات و تکامل فرهنگ های دیگر است. اگرچه اکنون مردم ما نسبت به بسیاری از کشورهای فقیر از بهترین دست آوردهای فرهنگی و تکنولوژی انسان امروزی که اینترنت، فیسبوک و غیره ابزار الکترونیکی است، استفاده می کنند. لکن از نگاه عقلانی مردم ما از انسان های متمدن هم نوع خود، خیلی عقب مانده تراند. از آنجائیکه جامعه کنونی افغانستان عاری از پذیرش فرهنگ مدرنیسم است، لذا استفاده از ابزار الکترونیک کمی به عقلانیت مردم ما نکرده است. امروز افغانستان به نسبت دزدی، فساد اداری و تولیدات مواد مخدره در ارقام احصائیه های جهانی سازمان ملل متحد از طرف آخر مقام درجه اول را احراز نموده است.

اگر حکومت افغانستان در طی زیادتیر از یک دهه در راستای تعلیم و تربیه و آموختن و توجه به تنوع و تکرر، میدان مداد و جلوه اقدامات خودسرانه مذهبی و برتری جویانه ایدئولوژی های دین سالاران را می گرفت. باعث رعایت آزادی بیان، اندیشه، عقیده و فراهم آوردن فضائی برای خلاقیت های چند جانبه ی فرهنگی آماده می شد و از شدت وحشت خشونت مذهبی کاسته می شد. برعکس حکومت فاسد افغانستان، دست جناح های مذهبی و جهادی های افغانستان را که به تکرر فرهنگی مخالف اند؛ باز گذاشت. آنها ارزش های مورد قبول خود را که دین سالاری است، تنها ارزش های قابل تأیید و گسترش می دانند و می کوشند تا دیگر فرهنگها، و اندیشه ها را یا از بین ببرند و یا در خود هضم کنند. روش های محبوب آنان همانی است که در اصطلاح «امر به معروف و نهی از منکر» بوسیله علمای اسلامی جاودانه شده است.

امروز در افغانستان جهادی ها و ملا ها جلوه های دو گانه یک پدیده شده اند. این نکته یک واقعیت مسلم اما کوچک جامعه شناختی است که به واقعیت گسترده تر و بزرگ تری متصل است؛ هر نهاد اجتماعی هم حضور ذهنی دارد، هم نمود مادی و عینی است. مثلاً، نمی توان به مفهوم ذهنی و عینی در شرایط کنونی افغانستان به حل مسائل **جنايات** دزدان کابل بانک و یا کسانی که خانم فرخننده را بی گناه در مقابل مسجد شاه دوشمشیره سوزاندن فکر کرد که محاکمه شوند. برای اینکه افغانستان امروزی چه از نظر عینی و چه از نظر ذهنی در قالب قوانین اسلام می چرخد و دستگاه قضائی در امیال جهادی ها است و آغشته به فساد اداری و دزدی است. هم اکنون از گوشه و کنار کشور شنیده می شود که قتل

فرخنده به پاسداری از اسلام صورت گرفته و برحق بود. عنیت و ذهنیت جامعه افغانستان نیز محصول همین ایدئولوژی مذهبی است. بدبختانه که از نگاه تاریخی مولد این سیاه روزی در افغانستان حزب دموکراتیک خلق شد. این حزب با کودتای خونین ثوراسلام را زنده کرد و محرک یک انقلاب اسلامی در افغانستان شد. اکنون دو نسل در هیولای مذهبی، قربانی شدند و هنوز هیچگونه نورامیدی در آینده افق سیاه این سر زمین دیده نمی شود.

امروز در افغانستان حرف اول را جهادی ها می زنند و نقش برارنده دارند. مشغله آخوندی و ملائی در یک جامعه از پیچیده شدن دین، سرچشمه می گیرد. هر چقدر منابع دینی مبهم و پیچیده تر باشد ملا ها و آخوند ها هم بیشتر در روغن است. هر چقدر که وسواس های مؤنانه مردمان بیشتر شود دنیا به کام ملاها و آخوند ها شیرین تر می شود. در عین حال این نکته نیز یک امر مسلم جامعه شناختی بشمار می رود که ملاها و آخوند ها محصول بازار عرضه و تقاضا است و تنها با تغییرات آن است که تغییر می پذیرد. آخوند ها و ملاها از ایجاد ترس هم غافل نیستند. مسئله را طوری طرح می کنند که مؤمن بیچاره نتواند حلش کند و آنگاه خود به صورت ناجی به یاری مؤمنین می آید.

یعنی دین، اعتقاد به آخرت، و ایمان به عالم غیب میدانگاهی فراهم می کنند که - خواسته و نخواست - ملا و آخوند در آن ظهور می کنند. بدبختی اجتماعی و فرهنگی افغانستان امروز در این است که جامعه ما بصورت عموم درقهقرائی مذهب و در تسلط گروه جهادی حرکت می کند. صحنه های قتل و سوزاندن خانم فرخنده بیانی از این واقعیت است که روح و روان جامعه ما به یک جامعه مرده مذهبی تبدیل شده است که در آن حرمت و کرامت انسانی را سراغ نداریم. صد ها نفر به لب دریا کابل شاهد لت و کوب و سوزاندن فرخنده بودند، لاکن یک نفر بدفاع از آن صدا بلند نکرد و مانع نشد. ما به این واقعیت آشنایم که کیفیات فکری رهبران مذهبی هر جامعه ساخته حد رشد فرهنگی آن جامعه است. سی سال جنگ، خونریزی باعث شده است که مردم افغانستان بیشترین ضربه تعلیماتی، اطلاعاتی و فرهنگی را خورده اند و امروز جامعه افغانستان از چند و چون فرهنگ مردمی و سنتی که داشتند و در آن زندگی می کردند از اختیار آنها خارج شده و سرنوشت مردم در اختیار جهادی ها قرار گرفته است.

تکلیف مردم ما با قوانین خود ساخته جهادی اش روشن است. وقتی جهادی های جامعه ما، چه به لحاظ زور چه به خاطر حفظ قدرت به نوشتن قوانینی برای زندگی اجتماعی مردم و حکومت اقدام کردند، وظیفه شان این بود که موقعیت های مختلف، حقوق گوناگون را از نگاه اسلام و مسئولیت های رنگارنگ شرعی در نظر گرفته شود. به همین دلیل، در حوزه قانونگذاری شرعی تفصیل جنایت در چهارچوب خاصی در قرآن وجود دارد که در صورت نیاز می توان به آن مراجعه کرده و پاسخ سؤال خود را یافت. برای اینکه نظام جمهوری اسلامی افغانستان بر پایه ارشاد به اسلامیت استوار شده است و با استفاده از مجموعه قوانین رفتاری و اجتماعی اسلام محسوب می شود و قابل اطلاق است و بس.

مهم این است برای رهایی از این سیاه روزی و جهالت در شرایط کنونی که جامعه افغانستان انسانها با مذاهبی از بی دینان، سنیان، شیعیان، هندوان، مسیحیان و غیره را در خود گنجانیده است، با هیچ نظامی جز سکولاریسم کنار نمی آید و تحقق پیدانمی کند. هر دین باوری دیگری در حکومت، متضمن حقوق مساوی آحاد این مردم نخواهد بود. لهذا این وظیفه روشنگران افغانستان است که هرچه زودتر برای آزاد سازی مردم ستمدیده افغانستان از قید دین سالاران جاهل راه

دیگری برای متحد ساختن آینده سیاسی فرزندان این سرزمین جستجو کنند. برای روشنگران آگاه هیچ چاره ای جز اتحاد نیروهای سکولار در داخل و خارج و ایجاد یک آلترناتیو غیر مذهبی بر بنیاد اعلامیه حقوق بشر باقی نمانده است. امروز زمینه اتحاد برای نیروهای دگراندیش در داخل و خارج افغانستان آماده شده است از دست دادن این شرایط درواقع تسلیم شدن به ادامه فرهنگ جهادی ها در افغانستان است.

در آخر می خواهم بگویم زنده یاد بانوی عزیز فرخنده، جامعه مرد سالارمذهبی افغانستان در حلول نوروزباستانی 1394 با جهل و خشونت ترا ازادامه حیات محروم کرد. ولی نماد مظلومیت تو و قتل فجیع تو باعث جنبش خودجوش عدالت خواهی را درفضای مجازی و حقیقی افغانستان به وجود آورده است. رویداد قتل تو از واقعیت های وحشتناک جهادی ها پرده برداشت. یقین دارم که روزی نه چندان دور، صحنه واقعی سوزاندن تو که تجربه های عجیب، و دلشکن اعمال جنایت مذهبی حکومت اسلامی افغانستان است، جزئی از مواد درسی کلاس های جامعه شناسی عمومی جنایت در جهان خواهد شد. روح تو شاد و خاطره ات فرخنده و گرمی باد.

با عرض حرمت . مارچ 2015 تورنتو، کانادا



تصویراولی برگرفته شده از رادیو زمانه 2 حمل 1394 ،عکس فرخنده با عنوان «شهید» بین شرکت کنندگان پخش شده بود. تصویر دوم برگرفته شده از بی بی سی خاکسپاری فرخنده، بیانی از نفرت خانم ها از فرهنگ جهادی ها درافغانستان.